

سیاست جنایی و تطور مفهومی آن

فائزه عظیم زاده اردبیلی^۱

ساره حسابی^۲

چکیده

اصطلاح «سیاست جنایی» با قدمتی نزدیک به یک قرن و رویکردی کلان به پدیده‌ی مجرمانه، زیربنای پاسخ‌های گوناگون در قالب قوانین و تعامل میان شاخه‌های حقوقی و جامعه‌ی مدنی در برابر جرم است. قانون‌گذار در سیاست جنایی برای کنترل جرم، علاوه بر پاسخ‌های کیفری، از مشارکت نهادهای اجتماعی نیز بهره‌مند می‌شود. حقوق کیفری یکی از ارکان اساسی سیاست جنایی است؛ اما همه‌ی آن را تشکیل نمی‌دهد. سیاست جنایی، علاوه بر حقوق کیفری، یعنی مجموعه‌ی قواعد و مقررات حاکم بر واکنش اجتماعی علیه بزه‌کاری، شامل قواعد حقوقی دیگر نیز می‌باشد. وظیفه‌ی اساسی سیاست جنایی در یک کشور، کنترل بزه‌کاری است. سیاست جنایی در دو مفهوم «مضیق» و «موسع» کاربرد دارد که در معنای مضیق، همان سیاست کیفری است. اما سیاست جنایی در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن را نیز در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی

مشارکتی، سیاست جنایی قضایی، سیاست کیفری.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام پردیس خاوران.

۲. کارشناس حقوق.

درآمد

مسئله بسیاری از اختلاف نظرهای موجود در در یک رشته علمی، ریشه در مبانی فکری و اعتقادی صاحب‌نظران آن رشته دارد؛ به گونه‌ای که با یافتن آن مبانی، به نحو دقیق‌تر و موثرتری می‌توان به حل مسائل موجود در آن علم پرداخت. نام هر رشته‌ی مطالعاتی، عموماً به گونه‌ای برگزیده می‌شود که به خودی خود بیان‌گر محتوای آن رشته باشد و حدود آن را هم مشخص کند. مثلاً جرم‌شناسی به خوبی گویای محتوا و حدود این رشته است. ولی رشته‌ی سیاست جنایی از این اصل مستثناست و ابهام‌آمیزی ذاتی در عنوان آن موجب شده است که محتوا و حدود این رشته در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد (لازرر، ۱۳۷۵: ۲۳). بنابراین لازم است معنای مورد نظر آن مشخص شده و تبیین گردد.

هر جامعه برای حفظ بقای خود ناچار باید با متخلفان برخورد کرده و آن‌ها را مجازات نماید. در گذشته مجازات‌ها نوعاً جنبه‌ی فردی داشت و توسط خانواده یا قبیله اعمال می‌شده یعنی بحث عدالت (سیاست) مطرح بوده است. با پیشرفت جوامع و دستیابی آن‌ها به قانون اساسی، قانون اساسی در بدو امر، سخن از بافت سیاسی و حکومتی داشت؛ لیکن به تدریج متحول و کامل شد تا جایی که تمامی جوانب، حقوق، سیاست و جزئیات جامعه را دربرگرفت و این‌جا بود که قانون اساسی حاوی خطوط سیاست جنایی نیز گردید. برای سیاست جنایی، معانی متعددی ذکر شده است. لکن هر معنایی در زمره‌ی سیاست‌های کلان حکومت از ویژگی‌های هر سیاست کلان، هماهنگی و انسجام میان عناصر و مولفه‌های آن می‌باشد (تسلیمی، ۱۳۸۶: ۹) اگر سیاست جنایی را به منزله‌ی تدابیر مواجهه با جرم تلقی کنیم، هیچ حکومتی در طول تاریخ فاقد سیاست جنایی نبوده است؛ زیرا به هر حال در مقابل جرم، واکنش خاصی داشته است. حتی «عدم واکنش» نیز خود نوعی سیاست جنایی است (الوان، ۱۳۷۹: ۲)

۱. معنای لغوی «سیاست جنایی»

اصطلاح «سیاست جنایی»^۱ به عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی علمی، نخستین بار

توسط آن سلم فون فوئر باخ^۱ به کار رفته است. این عنوان از دو جزء «سیاست» و «جنایت-جنایی» تشکیل شده است. واژه‌ی سیاست^۲ در معانی متعددی استعمال می‌شود. لسان العرب می‌گوید: "سوس" به معنی ریاست است و سیاست نیز در مفهوم «تصدی برای حفظ مصالح مردم» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۰۸). گاه نیز سیاست به معنای اداره‌ی کشور و حکم راندن و رعیت‌داری است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۸۶۵). بنابراین، سیاست در لغت به معنای توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره‌ی امور به نحو مطلوب است.

جنایت نیز همانند سیاست، کلمه‌ای عربی است که از ریشه‌ی جنی به معنای گناه‌کردن، چیدن میوه از درخت (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۸۶۵) و جرم (عمید، ۱۳۷۵: ۴۷۱) آمده است. عده‌ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح، از «گناه» فارسی اخذ کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۵۷۱).

اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی تعریف واحدی ارائه نداده‌اند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳) در عدم صراحت این اصطلاح، همین بس که با بیش از دو سده قدمت، محتوا و حدود متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است تا جایی که متخصصان حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدعی وجود نوعی پارادوکس در این تعاریف هستند.

۲. پیشینه‌ی تاریخی «سیاست جنایی» و مفهوم آن

به عقیده‌ی فوئر باخ، سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای است که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (لازرز، ۱۳۷۵: ۹) لذا او سیاست جنایی را دارای مؤلفه‌های زیر می‌داند:

- مبتنی بر تدابیر و وسایل قهرآمیز و تنبیهی است؛
- جنبه‌ی رسمی-دولتی دارد. یعنی صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل دهنده‌ی حاکمیت به اجرا گذاشته می‌شود؛

1. Anselm Von Feuebach:

حقوق‌دان آلمانی الاصل. در سال ۱۸۰۳ میلادی در کتاب «حقوق کیفری» خود برای نخستین بار تعریفی از سیاست جنایی ارائه داده است.

2. Policy

- فقط به مبارزه علیه «جرم»^۱ می‌پردازد و به سایر رفتارهای انحرافی^۲ که جنبه‌ی کیفری و ضمانت اجرای جزایی ندارند، توجه نمی‌کند.

- پیش‌گیری کیفری از جرم صرفاً با سرکوبی و اجرای مجازات محقق می‌شود. فون لیست^۳ در تعریف سیاست جنایی به «مجموعه‌ی منظم اصولی که دولت و جامعه با توسل به آن‌ها مبارزه علیه بزه و بزه‌کاری را سازمان‌دهی می‌نماید» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۱)، اشاره می‌کند. او در این تعریف به ماهیت امکانات و اصول سیاست جنایی نمی‌پردازد. دیدگاه او در این قلمرو، به فوئر باخ نزدیک است و مراد وی از سیاست جنایی، عمدتاً همان «سیاست کیفری»^۴ است. وی تأکید دارد که برای تشخیص سیاست جنایی باید دو نکته را مد نظر داشت: پیش‌گیری اجتماعی با هدف حذف کامل یا محدود ساختن شرایط اجتماعی جرم؛ مبارزه علیه بزه‌کار.

کوش^۵ در اوایل سده‌ی بیستم (۱۹۰۵) به تعیین جایگاه سیاست جنایی در میان سایر رشته‌های علوم جنایی پرداخت. بیش از یک ربع قرن پس از وی، دندی یودو وابر^۶ می‌گوید: «سیاست جنایی یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه‌ی مؤثر علیه جرم را میسر می‌سازد» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۲). لذا سیاست جنایی شامل همه‌ی شیوه‌هایی نمی‌شود که دولت ممکن است در اختیار

۱. پدیده‌ای که تعریف و حد و مرز آن را قانون‌گذار مشخص کرده است.

۲. انحراف رفتاری است که با هنجارهای مورد قبول جامعه در تعارض است.

3. Franz Von Listzt:

حقوق‌دان آلمانی الاصل. وی یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوق کیفری در سال ۱۸۸۹ میلادی است که در اواخر قرن نوزدهم (حدود سه ربع قرن پس از فوئر باخ) در کتاب «رساله حقوق کیفری آلمان»، مفهومی مشابه با باخ را از سیاست جنایی ارائه داده است.

4. Penal Policy

5. Cuhe

دانشمند فرانسوی است که در «رساله‌ی علم اداره و قوانین زندان‌ها» جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی و انسان‌شناسی جنایی را که مربوط به علل جرم هستند، از سیاست جنایی یعنی علم کاربردی برای مبارزه با جرم، تفکیک کرد.

6. Donnedieu de vebres

دانشمند فرانسوی، استاد دانشگاه پاریس و قاضی دادگاه بین‌المللی نورنبرگ. در سال ۱۹۳۸ میلادی در کتاب «سیاست جنایی دولت‌های اقتدارگرا-توریتتر» مفاهیمی مشابه با مفاهیم مورد نظر کوش از سیاست جنایی مطرح کرد.

داشته‌باشد و علیه بزه‌کاری به اجرا گذارد. بنابراین سیاست جنایی «پیشگیری»^۱ را در بر نمی‌گیرد. در این مفهوم امر پیش‌گیری از وظایف دولت است؛ زیرا پیش‌گیری به هر میزان که مؤثر واقع شود، موجب محو کامل پدیده‌ی مجرمانه نیست. این طرز تفکر تا اواسط سده‌ی بیستم بر اندیشه‌ی اندیشمندان علوم جنایی حاکم بوده‌است. با ظهور مکاتب فلسفی و کیفری پس از جنگ جهانی دوم مفهوم سیاست جنایی دچار تحول گشت. به عقیده‌ی مارک آنسل^۲ سیاست جنایی، علاوه بر جرم به عنوان یک مفهوم قانونی و سرکوبی و مجازات بزه‌کاری، با ابزارها و نظام کیفری، به «انحراف» و کژروی به عنوان یک مفهوم اجتماعی نیز می‌پردازد و توجه زیادی به پیش‌گیری از جرم دارد. مارک آنسل سیاست جنایی را به سازمان‌دهی عقلانی واکنش اجتماعی علیه بزه‌کاری تعریف کرده است (آنسل، ۱۳۷۵: ۵۱).

تکیه‌ی سیاست جنایی نوین به استفاده از تمامی روش‌ها و ابزارها است. خصوصاً به روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجی‌گری به جای استفاده‌ی صرف از روش‌های سرکوب‌گر می‌پردازد. (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۷) لذا از این پس، سیاست جنایی تنها در پی سرکوبی مجرم نیست.

۳. تحولات در مفهوم «سیاست جنایی»

گفته شد که مفهوم سیاست جنایی دو قرن پیش توسط فون فوئر باخ (۱۸۰۳) به قلمرو حقوق کیفری وارد شد و بعدها توسط فون لیست (۱۸۸۹) و کوش (۱۹۰۵) و دندی یودو وابر (۱۹۳۸) تکمیل گردید، اما تطور معناساختی آن به دست آنسل صورت گرفت.

در ادامه‌ی فرایند تحول مفهوم سیاست جنایی، می‌ری-دلماز مارتی^۳ رویکردی بدیع و منحصر به فرد داشت. وی با در نظر گرفتن تحولات کمی و کیفی

1. Prevention

۲. او پرچمدار دیدگاه "موسع نسبی" در سیاست جنایی است.

3. Mireille Delmas Marty:

دانشمند فرانسوی. ۱۹۴۱ میلادی دارای درجه‌ی استادی در رشته‌ی حقوق خصوصی گرایش علوم جنایی و مدیر بخش علوم جنایی مؤسسه‌ی حقوق تطبیقی پاریس بوده است. وی در سال ۱۹۸۳ میلادی در اثری با عنوان «مدل‌ها و جنبش‌های سیاست جنایی» به این موضوع پرداخته است.

در انواع جرایم و نحوه مبارزه با آن‌ها و با تجدیدنظر در تعریف فوئرباخ آلمانی اظهار داشت: «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع با توسل به آن‌ها، پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه را سازمان می‌بخشد» (لازرر، ۱۳۸۱: ۱۵). حقوق کیفری در این دیدگاه، حضور بسیار محسوسی خواهد داشت، اما ابزارهای کیفری در قلمرو سیاست جنایی، دیگر تنها نیستند؛ بلکه همراه آن‌ها، شیوه‌های دیگر کنترل اجتماعی از نوع غیر کیفری^۱ و گاه حتی غیر دولتی^۲ وجود دارد. در این مفهوم، اجتماع نیز به مشارکت در راهبرد سیاست جنایی کمک شایانی می‌نماید.

بنابر توضیحات دلماس مارتی درباره‌ی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی، این مفهوم نسبت به گذشته باز هم گسترش یافته‌است زیرا: برخورد با پدیده‌های مجرمانه، ماهیت «کیفری» محض ندارند؛ لذا صرفاً از نظام‌های کیفری ناشی نخواهند شد؛ بلکه سایر نظام‌های حقوقی^۳ نیز علیه پدیده‌ی مجرمانه پاسخ‌گو خواهند بود. هم‌چنین پدیده‌ی مجرمانه در این دیدگاه، جرم و نیز انحراف (کژروی) را شامل می‌شود؛ زیرا هر دو پدیده نتیجه‌ی نقض و یا عدم رعایت هنجارهای اجتماعی است. با این تفاوت که اولی نقض یک هنجار اجتماعی تقنینی بوده و دومی عدم احترام به هنجار اجتماعی فاقد ضمانت اجرای رسمی است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که اکنون سیاست جنایی شامل جرم و انحراف است و کلیه‌ی تدابیر و اقدامات سرکوب‌گرایانه، کیفری، غیر کیفری و پیش‌گیرانه را در بر می‌گیرد.

با توجه به آن‌چه تا کنون گفته شد، تفاوت‌های اساسی میان تعاریف ارائه شده از سیاست جنایی آشکار می‌گردد. به طور کلی می‌توان گفت که تمامی این موارد به دو تعریف مضیق و موسع از سیاست جنایی بر می‌گردد.

۳-۱. معنای مضیق

تعریف مضیق از سیاست جنایی، بر پایه‌ی برخورد قدیمی و سنتی با جرم بنا

۱. مانند ضمانت اجرای غیر سرکوب‌گر از قبیل پیشگیری، جبران و ترمیم خسارت، میانجی‌گری و ...

۲. شیوه‌های سرکوب‌گر افراد شبه نظامی خصوصی و اقدام‌های اعتراضی از نوع اقدامات سازمان عفو بین‌الملل.

۳. مانند نظام حقوق اداری، نظام حقوق مدنی، نظام حقوق انضباطی - انتظامی، نظام حقوق مالیاتی، نظام حقوق اجتماعی (حقوق کار و تأمین اجتماعی).

گردید. در این تفکر، نظام کیفری برای مبارزه با جرم کفایت می‌کرد. در این دیدگاه سیاست جنایی عبارت است از: سیاست‌های اتخاذی در قبال جرم که منحصر به برخورد کیفری از طریق سیستم قضایی است.

از آن‌جا که دستگاه قضایی نهادی دولتی می‌باشد، «دولتی بودن» در این سیاست، امری ضروری است. همچنین مبارزه با انحراف، مشمول این سیاست نیست؛ زیرا سیستم کیفری تنها صلاحیت رسیدگی به «جرائم» را دارد. سیاست کیفری تنها برخوردی حقوقی با پدیده‌ی جنایی است و ابزار آن مجازات و اقدام‌های تأمینی و تربیتی است. به هر حال سیاست جنایی در معنای مضیق، همان سیاست کیفری است.^۱

۲-۳. معنای موسع

سیاست جنایی در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین تفکر سیاست جنایی، کلیه‌ی تدابیری است که در مقابله‌ی با جرم^۲ و انحراف^۳ توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۱). در مفهوم اخیر سیاست جنایی در قلمرو وسیع‌تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور واقع می‌شود. بدین معنا که قوای عمومی یک دولت در سطوح بالا و نه صرفاً سازمان‌های قضایی و پلیسی آن، در برنامه‌ریزی و اجرای آن شرکت دارند. منظور از اصطلاح سیاست جنایی در این نوشتار، معنای موسع آن می‌باشد.

۴. گونه‌های «سیاست جنایی»

سیاست جنایی هدف‌دار جهت دستیابی به اهداف خود، به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که با توجه به ابزار مورد استفاده‌ی سیاست جنایی، می‌توان آن را به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم

۱. امروزه سیاست کیفری یکی از زیر مجموعه‌های سیاست جنایی به شمار می‌رود و تنها شامل اقداماتی است که نظام کیفری از طریق قوه‌ی قضاییه و به‌کار بستن قواعد جزایی به آن می‌پردازد.

2. Crime

3. Deviance

نمود (لازرژ، ۱۳۸۱: ۹۳).

۴-۱. سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزه‌کاری را دربر می‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی، ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد؛ معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیان‌گر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی، گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه، تأکید می‌کند.

سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر شخصیت بزه‌کار یا منحرف، است و با این دیدگاه، قانون، زمانی مبتنی بر سیاست جنایی است که «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزه‌کاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد. در این حالت ممکن است مجازات و به طور کلی ضمانت اجرا، حتمی و قطعی نبوده و با جرم ارتكابی نیز تناسبی نداشته باشد؛ چرا که آن چه مهم است، شخصیت مجرم یا منحرف است نه عمل ارتكابی (لازرژ، ۱۳۸۱: ۹۴-۹۶).

۴-۲. سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، یعنی سیاست جنایی که در تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌ها منعکس است. پس از آن که قانونگذار، سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرد، این قوانین و پیام‌های قانونگذار، به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضاات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی‌روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آن‌ها. به بیان دیگر، «سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضاات قرار می‌گیرد» (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۹).

۳-۴. سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه‌ی مدنی در سیاست جنایی است. به عبارت دیگر در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه‌ی قضاییه به منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی است، که به وسیله‌ی قوه‌ی مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران، با الهام از مبانی فقهی و بدون توجه به مباحث جدید علمی پیرامون این موضوع، ضوابط و مقررات قابل توجهی برای مشارکت جامعه‌ی مدنی در این زمینه فراهم نموده است که برجسته‌ترین جنبه‌ی آن، به مشارکت بزه‌دیده در فرایند کیفری مربوط می‌شود. ضمن این‌که جامعه‌ی مدنی ایران با تکیه بر تکالیف و آموزه‌های دینی و پشتوانه‌ی فرهنگ و سنت غنی مشارکتی خود، از قابلیت‌ها و بسترهای مناسبی در این راستا و به ویژه در مورد پیش‌گیری از بزه‌کاری برخوردار می‌باشد. اگرچه تا کنون از این مبانی و بسترها به نحو مطلوب و کامل استفاده نشده است اما این واقعیات در مجموع، سیاست جنایی نظام مذکور را از لحاظ محتوایی و عملی مشارکتی کرده و جلوه‌های متنوع و بعضاً ناب و منحصر به فردی از مشارکت ارکان جامعه‌ی مدنی در مراحل مختلف است (معاونت آموزش قوه‌ی قضاییه، ۱۳۸۷: ۱۱). در نتیجه، سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزار قوانین؛ سیاست جنایی قضایی با استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی؛ و سیاست جنایی مشارکتی با استفاده از حمایت و مشارکت اهرم‌های مردمی (علاوه بر استفاده از ابزارهای قانونی و قضایی)، سعی در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب را دارند.

در یک نوع تقسیم‌بندی دیگر، سیاست جنایی به دو دسته‌ی علمی و ارزشی تقسیم می‌شود. سیاست جنایی علمی، سیاستی است که بر داده‌های علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناسی، تکیه دارد؛ به عنوان مثال اگر بررسی‌ها نشان دهد که از لحاظ آماری، میان افزایش ازدواج و ارتکاب جرم، رابطه‌ی معکوس، و میان مصرف مشروبات الکلی و ارتکاب جرم، رابطه‌ی مستقیم، وجود دارد، بر اساس سیاست جنایی علمی، توصیه می‌شود که مشروبات الکلی ممنوع گردد، اما تسهیلات ازدواج در جامعه،

بیش تر شود. در مقابل، سیاست جنایی ارزشی،^۱ سیاستی متکی بر باید‌ها و نبایدهایی است که محصول تحقیقات میدانی و آمارهای جنایی نبوده؛ بلکه مستند به اصول اخلاقی، فرمان‌های شرعی یا ارزش‌های فرهنگی جامعه است (قیاسی، پیشین: ۷۳-۷۵).

۵. ارتباط سیاست جنایی با سیاست کیفری

«سیاست جنایی» قالب لفظی مناسبی بود که مفهوم مضیق معادل حقوق کیفری را پشت سر گذاشت و در مفهوم موسعی به کار رفت و رواج یافت که علاوه بر مفهوم سنتی «حقوق کیفری» تحولات تئوریک و عملی پدید آمده در قلمرو «هنجارنگاری» و «پاسخ‌دهی» به نقض هنجارها را نیز منعکس می‌کند. نخستین بار، به‌رغم نظر فوئرباخ، سیاست جنایی یک رشته‌ی فرعی وابسته به حقوق جزا نیست؛ بلکه جهت، دلیل و معنای وجودی حقوق جزا است (پیکا، ۱۳۷۰: ۴۲) و به عبارت دیگر، به معنای «حقوق جزای جهت‌گیری شده به سوی یک هدف مشخص» است. بدین ترتیب، سیاست جنایی که در اواخر قرن هجدهم میلادی توسط فوئرباخ، به «مجموعه‌ی روش‌هایی سرکوب‌کننده که دولت به وسیله‌ی آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد»، تعریف شده بود؛ در اواخر قرن بیستم میلادی توسط استاد فرانسوی، مادام دلماس مارتی، چنین تعریف شد: «مجموعه‌ی روش‌هایی که به وسیله‌ی آن بدنه‌ی اجتماعی (هیأت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده‌ی مجرمان سازمانده‌ی می‌کند» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۹). مرل^۲ و ویتو^۳ نیز تعاریفی مشابه ارائه می‌دهند و معتقدند سیاست جنایی پیش از آن که یک علم باشد، فنی است که هدف آن کشف و شکل دادن عقلانی و منطقی بهترین طرق ممکن برای حل مسائل مختلفی است که پدیده‌های مجرمانه را از نظر صوری و عمقی به وجود می‌آورند (مظلومان، بی‌تا: ۲۶۶). به اعتقاد دندیو دو وابر^۴ سیاست جنایی عبارت است از واکنش تنبیهی و سرکوب‌گر در مقابل جرم و موضوع آن کشف شیوه‌های مبارزه‌ی مؤثر غلبه بر بزه‌کاری است.

۱. ایدنولوژیک

2. Merele

3. Vitu

4. Donnedieu de Vabres

مارک آنسل سیاست جنایی را، هم علم و هم هنر می‌پندارد که موضوع آن، تدوین بهترین قواعد مثبت در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی است. وی دو جنبه‌ی نظری و عملی سیاست جنایی را در کنار هم و به موازات یکدیگر مورد توجه قرار داده و معتقد است که تدوین سیاست جنایی و تدابیر اجرایی آن در سطوح قضایی، اجرایی و پلیسی باید همواره مبتنی بر تحقیقات علمی و به طور عمده، جرم‌شناسانه باشد و بنابر نتایج به دست آمده و نیز به موازات تحولات، میزان و اشکال جرایم مختلف و واقعیات مجرمانه‌ی خود را متحول و روزآمد کند. آنسل به لحاظ اهمیتی که برای یافته‌ها و داده‌های ناشی از مطالعات پژوهش‌های جرم‌شناسانه در قلمرو سیاست جنایی، اعم از مرحله‌ی تدوین، اجرا و سنجش و ارزیابی کارایی برخی از ابزارهای آن قائل بود، بر پویایی سیاست جنایی تأکید کرده و بدین ترتیب، مفهوم، رسالت و ابزارهای سیاست جنایی را که از نظر ماهیتی تا آن زمان به طور عمده «حقوق کیفری» به شمار می‌آمد، گسترش داده است. در مفهوم اخیر، سیاست جنایی در قلمرو گسترده‌تری به نام «سیاست اجتماعی» قرار می‌گیرد که آن نیز به نوبه‌ی خود در محدوده‌ی بسیار گسترده‌تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور و دولت واقع می‌شود (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۲).

در باور برخی از اندیشمندان، سیاست جنایی بر مبنای رویکرد جدید، پلی ارتباطی میان حقوق جزا و جرم‌شناسی است و به کلیه‌ی تدابیر، اقدامات، شیوه‌ها و ابزارهای کیفری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اطلاق می‌شود که قانون‌گذار در چهارچوب قوانین و مقررات، به منظور پیش‌گیری از پدیده‌ی مجرمانه، یعنی بزه و انحراف و مبارزه با آن، در اختیار مقامات ذی‌ربط دولتی و اجتماعی قرار می‌دهد (نوربها، ۱۳۸۸: ۱۳۰). از تعابیر و تعریف فوق بر می‌آید، هدف سیاست جنایی مبارزه‌ی سنجیده علیه بزه‌کاری است که اعم از پیش‌گیری و سرکوب‌گری می‌باشد و از این رو، تعریف اخیر جامع‌تر و پسندیده‌تر است.

یک سیاست جنایی مطلوب، بر خلاف حقوق جزا، تنها متکی بر سیاست کیفری نیست؛ بلکه اصلاح مشکلات اجتماعی، زدودن عوامل ایجاد بزه‌کاری، رفع تبعیضات قانونی و بی‌عدالتی، و درمان و بازسازی بزه‌کاران را نیز جزء ویژگی‌های خود می‌داند. سیاست جنایی مطلوب، یک مفهوم عام و کلی است که در راستای رسیدن به

اهداف خود، علوم بسیاری را به خدمت می‌گیرد و از طرف دیگر با سازمان‌های فروانی در ارتباط است که از طریق این سازمان‌ها تدابیر خود را به مرحله‌ی اجرا درمی‌آورد؛ از این رو سیاست جنایی از زوایای مختلف تقسیم‌بندی می‌شود که در ادامه به دو مورد اشاره می‌شود.

دانش و تجربه‌ی بشری نشان داده که حذف بزه‌کاری، یک آرمان است. کنترل بزه‌کاری در یک محدوده‌ی قابل تحمل، رسالت سیاست جنایی است. در عین حال سیاست جنایی برای تحقق عدالت کیفری و اجتماعی، ابزار «لازم» محسوب می‌شود، نه ابزار «کافی». بهره‌گیری از نظام‌های کنترل‌کننده‌ی فراکیفری و نهادهای اجتماعی، اخلاق، مذهب و نقش ویژه‌ای در پیش‌گیری از بزه‌کاری و مبارزه با آن دارد. بدیهی است تحقق عدالت کیفری و اجتماعی، منجر به تأمین امنیت و نظم اجتماعی خواهد شد (قیاسی، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۵).

۶. سیاست جنایی اسلام

مبارزه با جرم و انحراف، یکی از اهداف همه‌ی انبیاء بوده است. پیش‌گیری از جرم و مبارزه با رفتار منحرفانه و ناهنجاری‌های اجتماعی، جایگاه والا و ارزشمندی در آموزه‌های اسلامی دارد. اهمیت این امر تا جایی است که یکی از برنامه‌های همه‌ی انبیاء مقابله با ظالم و متجاوز و یاری رساندن به اشخاص ضعیف است.^۱ در قرآن کریم نیز لیستی از عناوین مجرمانه ذکر شده و ضمانت اجرا و مجازات این اعمال مشخص گردیده است. این عناوین عبارتند از: افساد، کفر، شرک، ظلم، عتو، عصیان و معصیت، اعتدا و عدوان، سیئه و سوء، فحشا، اثم، ذنب، قته، منکر، جرم، جناح، اسراف، خطا، فسق، مکروه، طغیان، وزر، حنث، فجور، که بالغ بر صدها آیه^۲ را شامل می‌شوند. قطعاً مکتبی که علاوه بر ضمانت اجرای دنیوی، به ضمانت اجرای اخروی در قبال ارتکاب اعمال پرداخته، و پیامبر هدف خود را تکمیل کرامت‌های اخلاقی می‌داند،^۳ نمی‌تواند

۱. لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ: بقره: ۲۷۹

۲. مانند: ۳۶؛ بقره: ۱۹۱؛ لقمان: ۱۳؛ مانند: ۳۸؛ هود: ۸۵؛ آل عمران: ۱۱۲؛ مجادله: ۸؛ بقره: ۲۲۹؛ مانند: ۲؛ هود: ۷۸؛ یوسف: ۲۵؛ بقره: ۱۷۲؛ بقره: ۲۱۸؛ شعراء: ۱۴؛ بقره: ۱۹۴؛ توبه: ۷۱؛ انعام: ۱۲۴؛ نور: ۶۰؛ اعراف: ۱۸۱؛ اسراء: ۳۱؛ عنکبوت: ۳۴؛ اسراء: ۳۸؛ اسراء: ۶۰؛ انعام: ۱۴۶؛ واقعه: ۴۶؛ انفطار: ۱۴؛ شوری: ۴۲.

۳. انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (طبرسی، ۱۳۹۲: ۸)

نسبت به مبارزه با پدیده‌ای چون جرم و انحراف ساکت باشد (قیاسی، ۱۳۸۵: ۵۶). قرآن کریم با طراحی یک سیاست فراگیر، به مبارزه با جرم برخاسته است. این کتاب آسمانی انسان را به عنوان اشرف مخلوقات و دارای استعدادهای فوق‌العاده معرفی کرده است؛ سپس برای شکوفا شدن این استعدادها، آموزه‌های متعددی در جهت تربیت روحی و معنوی ارائه داده است. توجه و به‌کارگیری این دستورات، نه تنها موجب تعالی انسان، بلکه در وهله‌ی نخست موجب پیش‌گیری از اعمال مجرمانه و گناه‌آلود می‌گردد. آموزه‌های پیش‌گیرانه‌ی قرآنی، شامل آموزه‌های اعتقادی، آموزه‌های اخلاقی و آموزه‌های احکامی است. در دسته‌ی نخست، با تبیین مسأله‌ی حیات و معتقد نمودن انسان به مبداء و آفرینش، او را از ارتکاب رفتارهای خلاف منزلت انسانی و از تجاوز به حقوق دیگران بر حذر می‌دارد. یکی از مهم‌ترین اعتقادات بازدارنده از ارتکاب گناهان و جرایم، باور به علم و آگاهی نامحدود خداوند به همه‌ی موجودات و از جمله انسان و اعمال و رفتار اوست. از نظر قرآن، همه‌ی موجودات در محضر خداوند قرار دارند^۱ و هیچ چیزی در آسمان و زمین بر خدا مخفی و پنهان نیست.^۲ انسان نیز به عنوان جزئی از عالم هستی، تحت نظارت و احاطه‌ی علمی خدای متعال قرار دارد. علاوه بر اعمال و رفتار ظاهری انسان، افکار، نیت، خطرات قلبی و حدیث نفسی او نیز برای خداوند معلوم و مشهود است.^۳

ایمان و اعتقاد به این آموزه‌ها موجب می‌شود که انسان همیشه خود را تحت احاطه‌ی علمی بی‌پایان و نظارت دقیق خداوند متعال بداند و نه تنها در ظاهر از کژروی‌ها و اعمال ناپسند خودداری کند، بلکه در باطن نیز افکار ناپسند و نیت شوم

۱. إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است» (نساء: ۳۳).

۲. إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ: هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی‌ماند. (بنابر این، تدبیر آن‌ها بر او مشکل نیست) (آل عمران: ۵)؛ أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى: آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟! خداوند حتی از مخفی‌ترین مخفی‌ها نیز آگاه است (علق: ۱۴)؛ وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى: اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی) او پنهانی‌ها و حتی پنهان‌تر از آن را نیز می‌داند (طه: ۷).
 ۳. وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ او است خداوند در آسمان‌ها و در زمین، پنهان و آشکار شما را می‌داند و از آنچه (انجام می‌دهید و) به دست می‌آورید با خبر است (انعام: ۳). وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ: ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم! (ق: ۱۶)؛ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ و او با شماست هر جا که باشید و خداوند نسبت به آن‌چه انجام می‌دهید، بیناست (حدید: ۴).

به دل راه ندهد. از آن رو که اعمال و رفتار انسان، تبلور افکار و مقاصد اوست، طبیعی است که با کنترل افکار و اندیشه‌ها، رفتار انسان نیز اصلاح، و ریشه‌ی انحراف و ناهنجاری‌ها قطع خواهد شد (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۷۳-۵۵)؛ مشروط بر این که ایمان به این مطلب، در دل او رسوخ کرده و به صورت یک باور قطعی رسیده باشد.^۱ در نتیجه‌ی این آموزه‌ها، انسان به مرحله‌ای از تکامل دست می‌یابد که اراده‌ی بر فساد در او شکل نمی‌گیرد.

آموزه‌های اخلاقی، با سوق دادن انسان به سوی مکارم اخلاقی، باعث می‌شود تا افراد خود را ملزم به خیرخواهی و گذشت بدانند. اسلام تلاش دارد اخلاق نهادینه شود تا افراد به تعالی روحی دست یابند، مشکلات آنان حل شود و روابط اجتماعی‌شان تنظیم گردد. طبیعی است اگر افراد خود را به کمالات اخلاقی بیارایند، به حقوق دیگران تجاوز نخواهند کرد. یکی از مصادیق این ارزش‌های اخلاقی که نقش موثری در پیش‌گیری از جرایم دارد، «تقوا»^۲ است که عامل بازدارنده از جرم تلقی می‌شود. تقوا در قرآن به عنوان مهم‌ترین ارزش اخلاقی شناخته شده است. «توبه»^۳ نیز راه اصلاح و بازگشت است تا مجرم از مسیر خود برگردند و زندگی جدیدی آغاز کنند. آموزه‌های قرآن، شامل قوانین و مقررات ویژه‌ای است که هدف از آن، متعادل ساختن افراد و جامعه و طرد زمینه‌های جرم‌زا می‌باشد. این احکام در قالب واجبات و محرمات مطرح شده است که یکی از واجبات، نماز است که در قرآن به عنوان جلوگیری کننده از فحشا و منکر بیان شده است. یکی دیگر از احکام پیشگیرانه، روزه‌داری^۴ است و دیگری امر به معروف و نهی از منکر^۵ یا همان نظارت عمومی

۱. چنان‌چه پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرمایند: «برترین مرحله ایمان انسان این است که بداند هر جا باشد خدا با اوست» (سیوطی، ۱۴۰۳: ۱۷۱).

۲. تقوا در لغت به محافظت نفس در برابر آن‌چه که بیم می‌رود به او زیان برساند، معنا شده است. گاهی تقوا به خوف هم معنا می‌شود؛ چون خوف مقدمه‌ی تقواست، این امر سبب شده که گاهی خوف مجازاً به معنای تقوا استعمال شود (راغب اصفهانی، ۱۳۲۴: ۸۸۱).

۳. ترک الذنب علی اجمال الوجوه؛ ترک گناه به بهترین شکل آن (همان: ۱۶۹)

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای افرادی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شد همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شده، تا پرهیز کار شوید (بقره: ۱۸۳).

۵. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ: شما بهترین امتی بودید

می‌باشد که افراد باید مراقب اعمال یکدیگر بوده و در ترویج فضایل و جلوگیری از وقوع جرایم تلاش کنند. این امور در جهت بهبود بخشیدن به شرایط و احوال فکری و فرهنگی، از مهم‌ترین زمینه‌های خنثی‌سازی بزه‌کاری، تحقق پیشگیری، نهی از استمرار رفتارهای ناپسند و ممانعت از جرم می‌باشد.

قرآن کریم برای پیش‌گیری از جرم، برخلاف مکتب تحقیقی و پوزیتیویستی^۱، تنها به اصلاح مجرم و رفع زمینه‌های فردی و اجتماعی گرایش‌های مجرمانه، بسنده نکرده است و نیز همانند مکاتب سزادهی^۲ تنها پیش‌گیری کیفری و مجازات مجرم را توصیه نکرده است، بلکه سیاست پیش‌گیری فراگیر و واقع‌بینانه‌ای را در این زمینه ارائه داده و این همان دیدگاه و نتیجه‌ای است که امروز جرم‌شناسان و حقوق‌دانان، پس از سال‌ها بحث و جدل بدان دست یافته و رسماً اعلام کرده‌اند که برای مبارزه با جرایم، باید از همه‌ی روش‌های پیش‌گیری در کنار هم استفاده کرد و همه‌ی آن‌ها مکمل یکدیگرند (صفاری، ۱۳۸۹: ۳۱۳-۳۱۴) بحث بزه‌پوشی، قضازدایی، کیفرزدایی و تمامی سازوکارهای پیش‌گیری، در نظام سیاست کیفری اسلام پیش‌بینی شده و در واقع یک سیاست جنایی منحصر به فرد تعریف شده است. به این ترتیب می‌توان ادعا نمود که دین اسلام از سیاست جنایی خاصی برخوردار است. هم‌چنین برای اثبات ایم که این مجموعه‌ی تدابیر خاص، سیاست محسوب می‌شود اثبات هماهنگی در این مجموعه در مرحله‌ی عمل لازم نمی‌باشد و بررسی ایم که این تدابیر به هدف از پیش

که به سود انسان‌ها آفریده شدیدی؛ (چه این که) امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر، و به خدا ایمان دارید (آل عمران: ۱۱۰).

1. Positive doctrine.

این مکتب، بزه را بیماری اجتماعی تلقی می‌کند و معتقد است مجازات، عکس‌العمل اجتماعی جرم است و باید وسیله‌ی دفاع جامعه بر ضد بیماری جرم باشد (گلدوزیان، ۱۳۷۲: ۵۱).

2. Retributive.

مکتب عدالت مطلق که مؤسس آن کانت، فیلسوف آلمانی است، هدف از مجازات را اجرای عدالت و اعاده‌ی نظم اخلاقی می‌داند؛ نظمی که بر اثر وقوع جرم مختل شده است. لذا جامعه ملزم و مامور به نشر نظم اخلاقی در روی زمین می‌باشد. بنا بر نظر کانت، اعمالی دارای ارزش اخلاقی است که برای ادای تکلیف انجام گرفته باشد، نه اعمالی که به نتایج حاصل از آن‌ها توجه می‌شود. بر این اساس، مجازات نیز به عنوان وظیفه‌ای که قانون بر عهده‌ی افراد می‌گذارد، باید انجام شود و توجه به نتایج و آثاری که در جامعه به بار می‌آورد، نمی‌تواند باعث مشروعیت مجازات باشد. در واقع کانت حقی را در اعمال مجازات برای جامعه در نظر نمی‌گیرد (بولک، ۱۳۷۷: ۲۱).

تعیین شده‌ی خود رسیده‌اند، خارج از این بحث است؛ زیرا تمامی این امور مربوط به مرحله‌ی ارزیابی سیاست^۱ است. گواه این مطلب نیز مواردی است که پس از ارزیابی مشخص می‌گردد که سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... در کشوری موفق نمی‌باشد. لیکن این امر مانع از اطلاق سیاست نمی‌گردد. بنابراین ملاک صدق سیاست، اعلام هدف‌داری سیاست در مجموعه است (قیاسی، ۱۳۸۵: ۵۸).

بی‌تردید شریعت اسلام هدفمند و دارای مقاصد است. نصوص و متون معتبر دینی و عقلی، بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت دارند. قرآن کریم در آیات بسیاری نه تنها برای کلیت ارسال رسل و انزال کتب، نتایج و اهدافی را برمی‌شمارد،^۲ بلکه گاه برای احکام جزئی و خُرد نیز غرض یا اغراض خاصی را بیان می‌نماید. احادیث فراوانی نیز بر این اصل تأکید دارند (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹: ۳۳-۲۴ و ۶۴۰). نگارش و تدوین کتاب‌هایی چون علل الشرایع، اثبات العلل، مقاصد الشریعه حاصل این تأکید است. عقل سلیم نیز این‌گونه درک می‌کند که چون خداوند حکیم است، در تشریع مقررات، هدف داشته و مقصد یا مقاصدی را دنبال می‌کند.

۷. اهداف سیاست جنایی اسلامی

برای سیاست جنایی اسلام اهداف متعددی ذکر شده‌است. چنان‌چه درسوره‌ی بقره آمده است: وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۳ خداوند هدف از قطع دست سارق را، «عبرت آموزی» ذکر می‌کند: وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.^۴

کلمه‌ی نکل در زبان عربی به عقوبتی گفته می‌شود که هدف از آن، ارعاب و تحذیر دیگران است (ابن‌منظور، پیشین: ۶۷۷). ایده‌ی ارعاب این است که مجرم به دلیل ترس از دستگیری و اجرای کیفر، ارتکاب جرم منصرف می‌شود. بنابراین پیش‌گیری از جرم، یکی از اهدافی است که در آیه‌ی سرقت بدان اشاره شده‌است.

1. Evaluation of policy

۲. حدید: ۲۵؛ احزاب: ۴۵-۴۶

۳. و برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد، تا شما تقوی پیشه کنید (بقره: ۱۷۹).

۴. دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند توانا و حکیم است (مائده: ۳۸).

فاصله گرفتن از فحشا و منکر و تقرب به خداوند به عنوان هدف نماز مطرح است. در سوره‌ی مبارکه‌ی عنکبوت این نکته به چشم می‌خورد.^۱ علاوه بر آیات قرآن، روایات متعددی به علل تحریم محرمات اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، در علت تحریم خمر چنین آمده‌است: خداوند شراب را به دلیل مفسد آن حرام کرد. زیرا عقل نوشندگان را زائل و آن‌ها را به انکار خداوند و دروغ بستن بر او و رسولانش و فسادهای دیگری هم‌چون قتل و قذف و زنا و بی‌پروایی نسبت به محارم و می‌دارد (قمی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۴۷۵). هر چند علل تشریع حکم در این روایت ذکر شده است، اما باید توجه کرد که اهداف شارع نیز چیزی جز پرهیز از همین مفسد نیست.

با توجه به آن‌چه گفته شد، نمی‌توان ادعا کرد که خداوند متعال و رسولان او در برخورد با جرم تدابیری را توصیه کرده باشند، اما این تدابیر هدف‌دار نبوده و یا اهداف متعارضی را دنبال کنند؛ چرا که اقتضای حکمت خداوند، هماهنگی و هدفمندی در نظام آفرینش است.

۱. وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ و نماز را بر پا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد و خداوند می‌داند چه کارهایی انجام می‌دهید (عنکبوت: ۴۵).

یافته‌های پژوهش

زندگی اجتماعی و سامان دادن به آن، تنها در سایه‌ی نظم و امنیت پایدار امکان‌پذیر است. شهروندان یک جامعه، باید پیشاپیش از حقوق و تکالیف خود آگاه باشند و نتیجه‌ی اعمال و رفتارهای مجرمانه‌ی خود را بدانند تا فعالیت‌های گوناگون خویش را تحت کنترل و هدایت درآورند. لذا وجود سیاست‌های کلان، هماهنگ و انسجام‌یافته در نظام کیفری ضرورت می‌یابد. سیاست، برنامه‌ای گسترده در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و... است که هدف بهبود بخشیدن وضع موجود را دنبال می‌کند. به عبارت دیگر، تدابیری است که در تمامی زمینه‌ها کاربرد دارد. واژه‌ی سیاست در سیاست جنایی نیز به همین معنا است. به دیگر سخن، سیاست جنایی، یک فرایند اجتماعی است که محور آن را سیاست‌گذاری تشکیل می‌دهد و با هدف درگیر شدن با واقعیت‌های پیچیده‌ی جرم در عرصه‌های جامعه شکل می‌گیرد. سیاست جنایی یک رشته‌ی مطالعاتی است که برحسب داده‌های فلسفی و علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناختی، و با توجه به اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین و ایجاد آموزه‌های سرکوب‌گر و پیش‌گیرانه دارد که نسبت به بزه‌کاری و بزه‌کار، قابلیت اعمال را دارا باشد. سیاست جنایی بخشی جدید و سیاست جنایی اسلامی، بحثی جدیدتر است که یافتن ارتباط میان اصول و ارزش‌های اسلامی و سیاست‌های حکومت اسلامی را ضروری می‌سازد. جرم‌انگاری، یکی از ابزارها و مکانیزم‌های مهم سیاست جنایی هر کشور، در مقابله با بزه‌کاری و انحرافات اجتماعی است؛ که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد، نه تنها نتیجه‌ی مطلوب به دست نخواهد آمد، بلکه خود موجب پیدایش معضلات اجتماعی بسیاری خواهد شد. ایجاد محدودیت‌های رفتاری از طریق فرایند جرم‌انگاری، امری مغایر با اصل اولیه‌ی آزادی و اباحه‌ی اعمال می‌باشد؛ از این رو باید تنها به موارد مهم و حیاتی بسنده کرد و از تحدید بی اساس دامنه‌ی فعالیت‌های ارادی افراد، خودداری نمود.

از آن‌جا که دستگاه قضایی، نهادی دولتی می‌باشد، دولتی بودن در این سیاست امری ضروری است. هم‌چنین مبارزه با انحراف مشمول این سیاست نیست؛ زیرا سیستم کیفری، تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم را دارد. سیاست کیفری تنها برخوردی حقوقی با پدیده‌ی جنایی دارد و ابزار آن مجازات و اقدام‌های تأمینی

و تربیتی است. سیاست جنایی در معنای مضیق، همان سیاست کیفری است، اما سیاست جنایی در معنای موسع خود، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین سیاست جنایی به شکل زیر تعریف می‌گردد: «کلیه‌ی تدابیری که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود» و نیز عبارت است از کلیه‌ی تدابیر و اقدام‌های پیش‌گیرانه و سرکوب‌گرانه‌ای که توسط دولت و جامعه‌ی مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیش‌گیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم به کار برده می‌شود. در مفهوم اخیر، سیاست جنایی در قلمرو وسیع‌تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور واقع می‌شود. بدین معنا که قوای عمومی یک دولت در سطوح بالا و نه صرفاً سازمان‌های قضایی و پلیسی، در برنامه‌ریزی و اجرای آن شرکت دارند. شایان ذکر است که منظور از سیاست جنایی در این نوشتار، معنای «موسع» آن می‌باشد.

فهرست منابع

- ۱- آنسل، مارک، *دفاع اجتماعی*، برگردان: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۲- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ نخست، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ۳- الوانی، مهدی؛ فتاح، شریفزاده، *فرآیند خط مشی گذاری*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ نخست، ۱۳۷۹.
- ۴- برنارد بولک، *کیفرشناسی*، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجد، ۱۳۷۷.
- ۵- پیکا، ژرژ، *جرم شناسی*، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، بی جا، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- ۶- تسلیمی، محمد سعید، *تحلیل فرآیندی خط مشی گذاری و تصمیم گیری*، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۷۷.
- ۸- حسینی، سید محمد، «*سیاست جنایی (مفاهیم - مدل ها)*»، مجله‌ی کانون وکلای دادگستری، شماره‌ی ۱۱، تابستان ۱۳۸۶.
- ۹- حسینی، سید محمد، *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
- ۱۰- خسروشاهی، قدرت‌الله، «*پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی*»، فصل‌نامه‌ی بصیرت، شماره‌ی ۳۱-۳۰، ۱۳۸۲.
- ۱۱- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر: دکتر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۱۲- راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، مصر، دفتر نشر الکتاب، چاپ نخست، ۱۳۲۴ ه. ق.
- ۱۳- سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۱۴- صفاری، علی، «*مبانی نظری پیش‌گیری از وقوع جرم*»، مجله‌ی تحقیقات

حقوقی، شماره‌ی ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰.

۱۵- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، بی‌جا، شریف الرضی، ۱۳۹۲.

۱۶- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۷۵.

۱۷- فیض الاسلام، سیدعلی‌نقی، *ترجمه و شرح نهج‌البلاغه (خطبه‌ها و سخنان*

کوتاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام)، تهران، فقیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.

۱۸- قمی، محمدبن‌علی‌بن‌الحسین (شیخ صدوق)، *علل الشرایع*، بیروت، مؤسسه‌ی

الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ هـ.ق.

۱۹- قیاسی، جلال‌الدین، *مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی*، قم، پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۵.

۲۰- گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزایی ایران*، قم، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاهی،

۱۳۷۲.

۲۱- لازرژ، کریستین، *درآمدی به سیاست جنایی*، برگردان علی‌حسین نجفی

ابرندآبادی، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۲۲- لازرژ، کریستین، *سیاست جنایی*، برگردان: علی‌حسین نجفی ابرندآبادی،

تهران، یلدا، چاپ نخست، ۱۳۷۵.

۲۳- مظلومان، رضا، *کلیات جرم‌شناسی*، دانشگاه تهران، چاپ دوم، بی‌تا.

۲۴- معاونت آموزش قوه قضاییه، *ثبات و تغییر در جرایم و مجازات‌ها با مطالعه‌ی*

تطبیقی، تهران، جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۸.

۲۵- نوربها، رضا، *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، چاپ بیست

و ششم، ۱۳۸۸.